



این شماره تقدیم میشود به

**شهید دکتر مهسا طاهری**

نخه علمی کشور که در حمله موشکی آمریکایی- صهیونی در جنگ تحمیلی سوم به شهادت رسید.



ویژه دفاع مقدس  
**مردم ایران**  
در برابر آمریکا و رژیم صهیونی

# صدای ایران

روزنامه اینترنتی  
**KHAMENEI.IR**  
چهارشنبه ۲۰ خرداد ۱۴۰۵

فارسی | KHAMENEI.IR  
@Khamenei\_fa

سالهاست که جبهه دشمن با صدای بلند اعلام میکند که میخواهیم جمهوری اسلامی را به زانو در بیاوریم، رهبری در مقابل میگوید «غلط میکنید»؛ این تکرار نیست؛ این استقامت است. این سخن حق را در دل نگه داشتن و حفظ کردن و پای آن ایستادن است. ۱۴۰۲-۰۱-۰۱

آمریکایی‌ها با تصور ترس تهران از جنگ، فشارها علیه کشورمان را تشدید کرده‌اند

# ایران از فروپاشی آتش بس هراسی ندارد



سرمقاله

آتش بس شکننده ایران و ایالات متحده آمریکا در دو ماه گذشته با زد و خوردهای نظامی متعددی همراه بوده است. به طور موازی، تبادل پیام از طریق میانجیگران منطقه‌ای و همسایه‌ها بین دو کشور ادامه دارد. آمریکایی‌ها هر از چندی، برای اینکه بتوانند ایران را از موضع ضعف پای میز مذاکره بکشانند و واگذاری امتیازهایی را که نتوانستند با جنگ و حمله نظامی از ایران بگیرند، محقق کنند، شعله زد و خوردها را بالا می‌کشند.

مرور این زد و خوردها از پس از آتش بس تا الان نشان می‌دهد که روند این زد و خوردها صعودی بوده است. آمریکایی‌ها تصور می‌کنند با بالا کشیدن مقیاس این زد و خوردها و نزدیک کردن آنها به آستانه جنگ، ابزار فشار مناسبی برای تغییر رفتار جمهوری اسلامی ایران در اختیار دارند.

حرکت موازی سیاسی در آژانس بین المللی انرژی اتمی و تصویب یک قطعنامه ضد ایرانی هم مکمل همین موضوع است. آنها در یک سمت به دنبال تشدید فشار

سخت و نظامی هستند و در سمت دیگر، در جبهه سیاسی و بین المللی هم با چنین اقداماتی میزان فشار را افزایش می‌دهند. در عین حال، با سیاسی کاری‌هایی از این دست، برای اقدامات ضد ایرانی خود در هر دو جبهه یک مشروعیت ظاهری هم ایجاد می‌کنند. در این میان، لفاظی‌های رئیس جمهور ایالات متحده هم شدت گرفته و ایران را مجدداً به بمباران، عملیات نظامی و جنگ تهدید می‌کند. انگار نه انگار که این کارت را یک بار بازی کرده و آن را سوزانده و دست ایران را هم با انسداد هرمز پُرتر از قبل از جنگ کرده است. مجموع این آرایش نشان می‌دهد ائتلاف آمریکایی- اسرائیلی پروژه فشار بر ایران را تشدید کرده است. فارغ از اینکه اصولاً جمهوری اسلامی ایران زیر سایه فشار و تهدید از اصول، ملاحظیات و منافع ملی خود کوتاه نمی‌آید و این نه یک ادعا، بلکه عین تاریخ و واقعیت ۴۷ ساله‌ی پس از انقلاب اسلامی است، نکته مهم استمرار پاسخ‌های نظامی ایران به تجاوزهای دشمن است. ایران در عین پیگیری مسیر دیپلماسی، ترسی هم از

شکستن آتش بس شکننده ندارد. دشمن هر از چندی با این تصور که ایران از فروپاشی آتش بس هراس دارد، دست به اقداماتی زده و نقض‌هایی را موجب می‌شود؛ از اتفاقات وزد و خورد‌های تنگه هرمز و دریای عمان گرفته تا توسعه تجاوز در جبهه لبنان. همه این اقدامات اما با پاسخ‌های سخت و سنگین نظامی جمهوری اسلامی ایران مواجه شده است. هم رویکرد اخیر رژیم صهیونی و تحمیل یک معادله امنیتی به اسرائیل و هم تبادل سنگین آتش با ممداد چهارشنبه با آمریکا، که غلیظ‌تر و گسترده‌تر از درگیری‌های پس‌آتش بس پیشین بود، نشان داد هر چند ایران رویکرد نظامی و دیپلماتیک را موازی با هم پیگیری می‌کند، اما آنگاه که دشمن به خطوط قرمزش خدشه وارد کند، بدون هیچ هراس و ابایی پاسخ تجاوز دشمن را با اقدام سخت می‌دهد. اینها نشان می‌دهد ایران در تله آتش بس نیفتاده و هراسی هم از ادامه درگیری با دشمن آمریکایی- اسرائیلی ندارد. تجربه یک نبرد ۴۰ روزه با دشمن، حالا

به تهران اعتماد به نفسی داده که جسورتر، مطمئن‌تر و آماده‌تر از قبل، آماده پاسخگویی به گستاخی‌های دشمن است. حالا در همین سناریو می‌توان واکنش تهران به لفاظی‌های عصر چهارشنبه ترامپ را هم حدس زد؛ دست به ماشه و آماده، با نگاه به افق منافع ملی و منطقه‌ای ایران یکپارچه قوی. ایران در تله آتش بس نیفتاده و از ادامه نبرد هم هراسی ندارد. برای ادامه نبرد هم تدارک سنگینی دیده است. این به دشمن بستگی دارد که آیا می‌خواهد تجربه دردناک‌تری از جنگ ۴۰ روزه به تجربیات خویش اضافه کند یا نه. ائتلاف آمریکایی- صهیونی و متحدانش باید تمرین کنند که ایران پس از جنگ، دیگر ایران پیش از جنگ نیست. ایران با مقاومت ملی، میهنی، اسلامی و منطقه‌ای در برابر تجاوز دشمن آمریکایی، واقعیت جدیدی خلق کرده است. این واقعیت جدید، تعامل و قواعد و معادلات جدیدی می‌طلبد و همه از این پس باید با این قواعد و معادلات با ایران تعامل کنند. ■



ماه من! ما که از جنگ ۱۲ روزه تا ۹ اسفند در غیبت صغریات جانمان از ندیدنت به لب آمد، چگونه تاب بیاوریم غیبت کبری همیشه نبودنت را؟ کاش می‌شد که تو با معجزه‌ای برگردی. مثل آن شب عاشورا که ناگهان آمدی و جانی دوباره به ملت

دادی. چگونه تاب بیاورم آقا جان؟ سال‌هایی را که بی تو تحویل می‌شود، محرمی را که تودر بیت نیستی، منم و حسرت بی انتهای بی‌توبودن و دلی داغدار همیشه نبودنت. تورفته‌ای و من از زنده ماندنم خجلم، کجا گذاشته‌ای رفته‌ای عزیز دلم؟

آخرین صحبت یک هموطن ایرانی خطاب به رهبر شهید انقلاب اسلامی

روایت کشور دوست

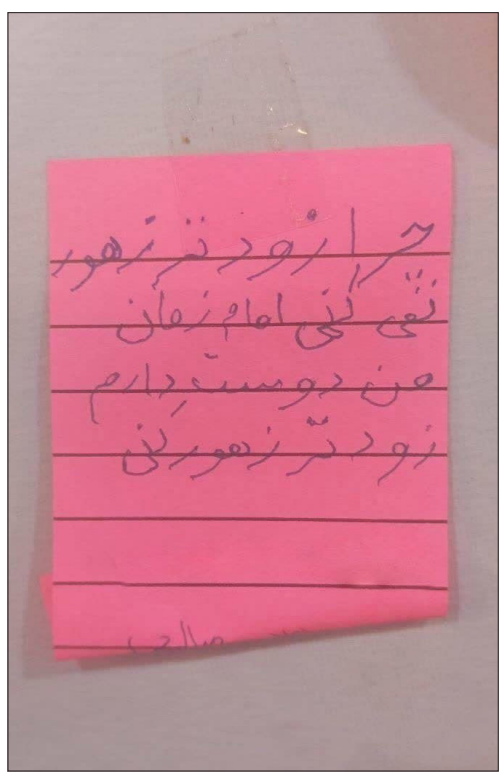
## مبعوث شدگان میدان مباحله

روی برگه‌ی فسفری رنگ نوشته بود از کجا بدانم ما طرف حقیم؟ برگه روی بنری که از دیواره‌ی غرفه آویزان شده بود، کنار باقی برگه‌های رنگی چسبیده بود. بنر مخصوص نوجوان‌ها بود و هر دختر و پسر که از کنارش رد می‌شد، اگر شک و شبهه‌ای یا حرفی داشت، یکی از کاغذهای رنگی را برمی‌داشت و روی آن می‌نوشت.

مثلاً یکی با خط لرزان پرسیده بود: «چرا زودتر زهور نمی‌کنی امام زمان؟» شاید موقع نوشتن همین چند کلمه، دلش پر بود و چشمش از این دوری، اشکی شده بود و دستش می‌لرزید. یا آن یکی که قاطع گفته بود: «می‌خواستم به شما بگم این اسرائیل کودک‌کوش، هیچ قلمی نمی‌تونه بکنه.» حتما خودش را در قامت سربازی جان‌فدا برای وطن می‌دید که اینطور خروشنده پیام گذاشته بود. وقتی از حس درست و پاک و روشن دست‌خط‌ها می‌شد به روح لطیف و حساس صاحبان آن پی برد، کجا دیگر غلط‌های املایی به چشم می‌آمد.

سیاهی شب بین جمعیتی که موج موج توی خیابان راه گرفته بودند جاری می‌شدند، گم شده بود. از میان همه آدم‌ها، کودکی که توی کالسکه زیر یک لایه پتویا خوابیده بودند یا با ذوق به پرچم‌ها نگاه می‌کردند، بیشتر به چشم می‌خورد. کودکی که شاید قدشان تا زانوئی پدر بالا می‌آمد و مشتاقانه هم قدم می‌شدند با بزرگترهاشان. پدر و مادرها با جان‌شان به معرکه آمده بودند. با قنداقه روی دست، با کودک و نوجوان. درست مثل روز «مباحله». همان روزی که پیامبر ﷺ برای اثبات حقانیت راهش، با همه‌ی دارایی و جانش به میدان آمد؛ با دختر، داماد و نوه‌های خردسالش. او عزیزترین هایش را آورد تا به دنیای غافل بگوید که حق، ایستادنی است و برای آن باید از جگرگوشه‌ها گذشت. حالا ما هم داریم مباحله را از نوزندگی می‌کنیم. ما مبعوث‌شدگان این دورانیم که دست‌اهل و عیال، کوچک و بزرگ را می‌گیریم و وسط میدان می‌آییم. حالا ما ایستاده‌ایم تا با صدای بلند

بگوییم اگر بر حق نبودیم، با عزیزترین‌هایمان در میانه‌ی جنگ حادثه ظاهر نمی‌شدیم. باید برگردم و در جواب آن برگه‌ی فسفری بنویسم: «ما بر حقیم؛ چون مثل روز مباحله، با خانواده‌هایمان به ضیافت خطر آمده‌ایم. این بار، این حضور خانوادگی، همان نفرینی است که ریشه‌ی دشمن را می‌سوزاند.»



اعتراف

## تحمیل معادله جدید بر اسرائیل

حمله اخیر ایران به رژیم صهیونیستی که در واکنش به حملات به بیروت انجام شد، باعث نگرانی زیاد محافل امنیتی اسرائیل شده است. روزنامه صهیونیستی هاآرتص به نقل از منابع امنیتی نوشته است که ایران به تدریج در حال تحمیل معادله «وحدت ساحات» بر اسرائیل است و ایرانی‌ها در ایجاد یک معادله جدید موفق هستند؛ به گونه‌ای که هر اقدامی در لبنان به عنوان بخشی از یک نبرد واحد ارزیابی خواهد شد.

در واقع، آنچه محافل رسانه‌ای و امنیتی رژیم صهیونیستی از آن ابراز نگرانی می‌کنند، تغییر در قواعد بازی زندگی منطقه‌ای است. ایران این مسئله را نهادینه کرده است که امنیت جبهه‌های مقاومت به یکدیگر گره خورده و هرگونه حمله به یکی از این جبهه‌ها می‌تواند واکنشی فراتر از همان میدان به دنبال داشته باشد.

چنین معادله‌ای هزینه تصمیم‌گیری نظامی اسرائیل را افزایش داده و آزادی عمل این رژیم در لبنان و حتی فراتر از آن را محدود می‌کند. اگر این روند ادامه یابد، تل‌آویو ناچار خواهد شد در محاسبات امنیتی خود، احتمال گسترش هر درگیری محلی به یک رویارویی منطقه‌ای را بیش از گذشته در نظر بگیرد.